

گفت‌وگویی «ایران جمعه» با پژوهشگر انقلاب اسلامی:

آیا امام خمینی (ره) با الزامی شدن رعایت حجاب مخالف بود؟

سیده نرگس حسینی
دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی



نظر و رویکرد امام خمینی (ره) به عنوان پایه گذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسائل مختلف همچنان از درجه اهمیت بالایی برخوردار است؛ در مسأله حجاب نیز این اهمیت به حدی است که مخالفان وجود قانونی برای حجاب، از طیف‌های مختلف، به نظر امام در این مورد رجوع کرده و با طرح برخی نقل قول‌ها امام را مخالف این امر می‌دانند. در این شماره در گفت‌وگو با روح‌الله جلالی، مدرس و پژوهشگر در حوزه انقلاب اسلامی به ابعاد مختلف این امر و نقل‌های مختلفی که در این خصوص طرح شده پرداخته‌ایم تا روشن شود که آیا امام خمینی (ره) با الزامی شدن رعایت حجاب مخالف بوده است یا خیر. یکی از جدی‌ترین مسائلی که در خصوص نظر امام درباره الزام رعایت حجاب گفته می‌شود، نقل قول مرحوم حکیمی از شهید



پیش از طرح یکی دیگر از شبهات مهم بد نیست به سه مسأله جانبی هم اشاره کنیم؛ آیا این الزام به معنای الزامی شدن چادر بود؟

ابتداً. صراحتاً و توسط امام و افراد مختلف اعلام شد که منظور از حجاب اسلامی لزوماً چادر نیست. اتفاقاً امام حتی به صداوسیما تذکر داد که مگر همه مجریان تلویزیون چادری هستند که چادر دارند؟ بعد فهمیدند که چادر را اجبار کردند که دستور دادند چنین تعمیلی نباشد. چه برسد به جامعه. بحث روسری بود.

پس ماجرای مرحوم حکیمی و شهید مطهری چیست؟

در مورد نقل قول مرحوم حکیمی از شهید مطهری به سادگی بی‌دقتی شده است؛ یعنی تیتیر رسانه‌ها و اظهار نظر افراد با واقعیت ماجرا اصلاتی نیست. مضمون محتوای رسانه‌ها مخالفت حکیمی و مطهری با حجاب اجباری و بعد اعلام این مخالفت آنان به امام و بعد هم پذیرش امام است. در حالی که به صراحت در کتاب «سه یار خراسانی در انقلاب» مطلب به شکل دیگری بیان شده است؛ آقای حکیمی گفته است: «تلفن کردم به آقای مطهری ... گفتیم من خودم روی مسأله حجاب خیلی حساسم ولی حساب انقلابی که در جهان مطرح شده بود، فرق می‌کرد. آقای مطهری گفتند: تو هم عقیده‌ات همین است؟ یعنی اینکه طرح مسأله حجاب زود بود.» اینجا مرحوم حکیمی به صراحت از زود بودن این کار حرف زده و نه مخالفت با اصل قانونی شدن حجاب.

سپس ادامه داده است که نزد آیت‌الله منتظری رفتیم و همگی نظرمان این بود که «الان زود است.» بعد شهید مطهری به ایشان گفته که من خدمت امام رفتم و گفتم که «الان وقت این نبود» که شما این مسأله را مطرح کنید.

امام فرمودند: «ما حکم‌الله را گفتیم می‌خواهند بکنند، می‌خواهند نکنند.» پس اصلاً مسأله مخالفت با حجاب اجباری و فشار و کوتاه آمدن امام نیست و در اصل اینکه زنان نباید با پوشش غیر شرعی در جامعه ظاهر شوند از طرف مطهری و امام شکی نبود بلکه در زمان و نحوه اجرای این مسأله اختلاف بود و البته هنوز هم هست اما در رسانه‌ها به نحوی جلوه دادند که گویی مطهری گفته که اصلاً الزام به حجاب چیست؟

برگردیم به شبهات. یکی دیگر از شبهات جدی که در مورد نظر امام بخصوص در حال حاضر مطرح می‌شود این است که بعد از تظاهرات گسترده مخالفان الزام به حجاب، آیت‌الله طالقانی گفتند که حجاب اجباری در کار نیست و بعد هم امام نظر ایشان را تأیید کردند اما حجاب الزامی شد. واقعیت ماجرا همین بود؟

بله واقعیت همین است اما باید به نکاتی در این مورد توجه کرد که عرض می‌کنم. ماجرا به این صورت بود که در اسفند ۵۷ و بعد از طرح الزام و اجبار به رعایت پوشش اسلامی، تظاهرات بخشی از زنان در مخالفت با این تصمیم موجب ایجاد فضای سنگینی در این رابطه شد. بعد از این التهاب مرحوم طالقانی سخنرانی کرد و گفت که در حجاب هیچ اجباری در کار نیست و امام هم تأیید کرد و مسأله آرام شد و لذا قضیه حجاب موکول شد به بعد از تصویب قانون اساسی و رأی مردم به اسلامیت نظام سیاسی. در واقع در سال ۶۰ قانون حجاب محکم اجرا شد. چون دیگر اینجا الزام، وجه قانونی داشت و طبق قانون اساسی، قوانین باید اسلامی باشد.

اما نکته مهم که از آن غفلت می‌شود اینجا است که صحبت‌های آقای طالقانی در ۲۰ اسفند ۵۷ دوپهلوی بود؛ یعنی ابتدا محتوای سخنان ایشان این نبود که در نظام اسلامی هرگز حجاب قانونی نمی‌شود و امام هم گفته باشد من این حرف را تأیید می‌کنم. ایشان در آن سخنرانی گفته است: «منظور امام و علما این نیست که زن خانه‌نشین باشد. اجباری حتی برای زن‌های مسلمان هم نیست. چه اجباری؟ حضرت آیت‌الله خمینی نصیحتی کردند، مانند پدری که به فرزندش نصیحت می‌کند، راهنمایی‌اش می‌کند که شما این جور باشید به این سبک باشید» و همچنین در همان سخنان پس از اینکه نکات زیادی در رابطه با ضرورت حفظ حجاب گفته، تذکر داده است: «هو و جنجال راه نیندازند. همان‌طور که بارها گفتیم، همه حقوق حقه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد ماند و از آنها خواهش می‌کنیم که با لباس ساده با وقار، و روسری هم روی سرشان ببندازند به جایی بر نمی‌خورد.» یعنی اینجا واضح گفته شده که حالا یک روسری هم روی سرشان ببندازند به کجا برمی‌خورد اما تنها بخش اولی که بیان شد، در نظر گرفته می‌شود و برای آن تیتیر هیچ اجباری در مورد حجاب در کار نیست، می‌زنند. نکته دیگر نیز این است که از همان زمان در نهادها و ادارات مسأله حجاب کم‌کم و به صورت کج دار و مریز تبدیل به رویه شد. طبیعتاً الزام به رعایت حجاب در جامعه‌ای که توسط پهلوی اول و دوم به شدت به سمت رهایی اخلاقی و جنسی تشویق شده بود، کاری رادیکال محسوب می‌شد؛ یعنی وقتی در یک جامعه برهنگی و بدپوششی عادی شده باشد، سر کردن روسری سخت‌گیری و حتی از نظر برخی احقانه محسوب می‌شود. همچنین تصویرسازی سنگینی شده بود که زن مدرن، شیک، اجتماعی، تحصیلکرده و با کلاس، زن بی حجاب است و زن‌های سنتی و منزوی در منزل و حتی بی‌سواد، زن‌های چادری و محجبه هستند. یک نکته هم در حاشیه عرض کنم؛ تظاهرات حامیان امام و الزام به حجاب بسیار گسترده‌تر از مخالفان این امر بود و راهپیمایی مخالفان در اقلیت قرار گرفت اما بالاخره قابل توجه بود و البته مخالفان الزام به حجاب متوجه شده بودند که در اقلیت هستند و این بیشتر از سخنان آقای طالقانی در پذیرش نهایی آنها دخیل بود.

و اینکه آیا این الزام فقط برای ادارات مطرح بود؟

خیر. وقتی از طرف دولت طرح شد، بحث ادارات و اماکن عمومی مطرح شد. البته امام هم در ۱۵ اسفند ۵۷ گفت «در وزارتخانه‌های اسلامی، نباید زن‌های لخت بیایند.

زن‌ها بروند، اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند، کار بکنند، لکن با حفظ حجاب شرعی باشند» ولی این‌طور نبود که امام حجاب را فقط در ادارات الزامی ببیند.

و امام در مورد حمله به خانم‌های بدحجاب چه عکس‌العملی داشتند؟

خیلی قاطعانه جلوگیری کرد. امام به‌عنوان یک فتوای شرعی اعلام کرد: تعرض به زنان بی‌حجاب برای مسلمان‌ها حرام است. بعد هم ۱۸ اسفند ۵۷ دادستان تهران اطلاعیه‌تندی داد که «هر کسی مزاحم بانوان شود به شدت مجازات خواهد شد.» آیت‌الله اشرافی داماد امام هم در ۱۹ اسفند اطلاعیه‌ای از طرف دفتر امام منتشر کرد که: «بر اساس خبرهای رسیده، گروه‌های جنایتکار و خیانت‌پیشه، تحت عنوان کمیته، مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می‌کنند که مأموران کمیته‌های انقلاب موظف‌اند چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند. عاملین چنین اعمالی سریعاً و به شدت مجازات خواهند شد.»

یکی از جدی‌ترین مسائلی که در خصوص نظر امام درباره الزام رعایت حجاب گفته می‌شود، نقل قول مرحوم حکیمی از شهید مطهری است با این مضمون که به دلیل فشاری که از سایرین وارد شد امام با الزام حجاب موافقت کردند. آیا این گفته صحیح است و امام در اصل موافق این الزام نبودند؟

امام، قبل از انقلاب به صراحت نظر خود را بیان کرده بود. خانم نوشابه امیری، خبرنگار کیهان در فرانسه از امام پرسید که زنان باید حجاب داشته باشند و باید مثلاً روسری بپوشند؟ امام هم به صراحت می‌گوید که در مورد زنان هر چیزی که صحیح باشد، آزاد است اما در مورد کارهای خلاف عفت جلوگیری می‌شود و زنان و مردان در این مورد فرقی ندارند. از این صریح‌تر، پاسخ امام در مصاحبه با آقای «کرکروف» است که دانشگاه «روتکرز» آمریکا در تاریخ ۷ دی ماه سال ۱۳۵۷ در پاریس است. کرکروف از پوشیدن اجباری چادر پرسید و امام گفت: «ما دنبال حضور اجتماعی زن به‌عنوان یک عنصر جدی و کارآمد هستیم و آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد.» خیلی نگاه امام مهم است؛ زن جدی و کارآمد. بنابراین اصل این مسأله چیزی نبود که امام بعداً بخواهد تصمیم بگیرد.

نکته دیگر این است که برخی معتقدند که اگر فرض کنیم امام با قانونی شدن حجاب موافق بودند، هم این موافقت متناسب با اقتضائات زمان ایشان و بر اساس خواست اکثریت مردم بوده؛ به نظر شما این حرف صحیح است یا اگر امام در هر زمان دیگری هم بودند، نظرشان همان بود؟

مینای امام برای الزام به حجاب دو چیز است: یکی دستور الهی و دوم دغدغه زن جدی و کارآمدی که فارغ از جنسیت و ابتذال بتواند در جامعه حاضر باشد. این دو عنصر اصلاً زمان بردار نیست که بگوییم امام در آن زمان حکم خدا را در ضرورت رعایت حجاب می‌دید و الان یا هر زمان دیگری اگر بود، نمی‌دید. یا این‌طور نیست که بگوییم زن را رعایت نکردن حریم‌های شرعی و پوشش صحیح، بتواند به آن وضعیتی برسد که جامعه زنان، جدی و کارآمد باشند و نه وسیله ابزاری جنسی.

در نهایت جمع‌بندی شما از این موضوع چیست؟

در نهایت معتقدم که از نکته مهمی در این بحث غفلت شده است؛ اینکه تأکید بر حجاب، تحمیل یک امر غیرعمومی به عموم مردم نبود؛ چرا که امام از همان اول رویکرد قاطع خود را کاملاً برای جامعه آشکار کردند و گفتند که ما اجرای شریعت اسلام را می‌خواهیم (از جمله قانونی شدن حجاب) و با این حال توانستند از مردم بیش از ۹۹ درصد رأی آری برای نظام جمهوری اسلامی و بعد از آن رأی برای قانون اساسی اسلامی بگیرند. به عبارت دیگر اگر کار امام مورد قبول جامعه نبود باید در الگوی حکمرانی مورد قهر و رویکردانی جامعه قرار می‌گرفت ولی این‌طور نشد.

